

بسمه تعالی درس ۱۳: هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایرانی): The Identity of Iranian Culture

تهیه کننده: محمود کرمی / زنگان / خدابنده

در ابتدا برای درک بهتر مفهوم هویت، به تفکیک ابعاد این مفهوم می پردازیم.

الف) هویت فردی: یعنی: کیستی فردی. یعنی تمام آن چیزهایی که یک فرد خود را با آنها می شناسد و به دیگران معرفی می کند. مانند: قد، قیافه، نام و نام خانوادگی، پوشش، ثروت، قدرت، تبارخانوادگی، مهارت، علاقه، هنر، خلق، ایمان، اعتقاد و

ب) هویت جمعی: یعنی: کیستی جمعی؛ یعنی تمام آن چیزهایی که یک گروه، قوم، ملت، امت و ... خود را با آنها می شناسد و به دیگران معرفی می کند. مانند: سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، دین، زبان و

هویت ایرانی: (Iranian Identity)

ویژگی های هویت ایرانی قبل از ورود اسلام به ایران:

- ✓ ایران سرزمینی است که بیش از ۷ هزار سال قدمت و سابقه دارد.
- ✓ در سرزمین ایران همواره اقوام مختلفی در کنار هم زندگی کرده اند.
- ✓ هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی - دینی و در مواردی امیخته با اساطیر (اسطوره ها و افسانه ها) بود. (در شاهنامه فردوسی این هویت قابل ملاحظه است).
- ✓ زبان فارسی دری؛ بعنوان زبان سیاسی دربار پادشاهی ایران؛ زبان مشترک اقوام مختلف ایرانی بود. (البته اقوام مختلف ترکی، کردی و ... زبان محلی خودشان را داشتند، اما از آنجائیکه زبان سیاسی دربار، زبان فارسی دری بود، به همین دلیل فارسی دری، بعنوان زبان سیاسی مشترک در میان اقوام مختلف محسوب می شد).
- ✓ اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت های اجتماعی متفاوتی داشتند؛ بواسطه آیین زرتشت، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند. (آیین زرتشت؛ عامل اصلی شکل گیری هویت فرهنگی واحد در سرزمین ایران بوده است).

ویژگی های هویت ایرانی بعد از ورود اسلام به ایران:

- ✓ ایرانیان پس از آشنایی با اسلام؛ عناصر مشترکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خود دست یافتند.
- ✓ عقاید و ارزش های توحیدی جهان اسلام؛ ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی بصورت بخشی از هویت اسلامی درآمد. (پس از الحاق فرهنگی ایران به جهان اسلام؛ هویت ایرانی به زیرمجموعه ای از هویت اسلامی تبدیل شد).
- ✓ زبان فارسی دری بعنوان زبان سیاسی مشترک اقوام مختلف ایرانی، بدلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام؛ از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و بعنوان زبان دوم جهان اسلام شناخته شد. (ایرانیان دانش ها و هنرهایی تولید می کردند که سایر مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند یادگیری زبان فارسی بودند. حکیمان و شاعران ایرانی مانند: مولوی، سعدی، حافظ و ... خدمات بی نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد).

نکته: زبان فارسی بعنوان زبان دوم جهان اسلام؛ مرزهای امپراتوری های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت.

نحوه مواجهه یا استراتژی های جهان اسلام از جمله ایران اسلامی در برابر تهاجمات اقوام مختلف:

الف) استراتژی دفع مهاجمان: مانند جنگ های صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان که طی آن مسلمانان به دفع متجاوزان مسیحی پرداختند.

ب) استراتژی جذب و هضم متجاوزان: مانند آنچه در حمله قوم مغول رخ داد که طی آن جوامع اسلامی و بویژه ایران، مغولان را در فرهنگ ایرانی - اسلامی خود، جذب و هضم کردند.

نحوه مواجهه جهان اسلام از جمله ایران اسلامی در برابر تهاجمات جهان متجدد غرب:

الف) دچار شدن برخی از جوامع اسلامی از جمله ایران به خودباختگی فرهنگی در برابر جهان غرب
ب) نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و تلاش برای بازگشت به هویت ایرانی - اسلامی

توضیح الف: دچار شدن برخی از جوامع اسلامی از جمله ایران به خودباختگی فرهنگی در برابر جهان غرب

خودباختگی فرهنگی موجب می شد تصویری که شرق شناسان و تاریخ نگاران غربی از هویت جهان اسلام القاء می کردند در بین جوامع اسلامی از جامعه ایران رواج پیدا کند. (ایرانیان تحت تأثیر القائات شرق شناسان و تاریخ نگاران غربی؛ هویت اسلامی خود را به دیده شک و تردید و حتی تحقیر می نگریستند).

در دیدگاه مستشرقان؛ هویت فرهنگی جوامع اسلامی از جمله هویت ایرانی؛ در اصل سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می شود. این هویت در قالب عناوین قوم گرایانه و ناسیونالیستی (ملّی گرایانه)، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلفی مانند: ترک، عرب و فارس تقسیم می کند. بنابراین هویت فرهنگی جوامع اسلامی از جمله هویت ایرانی؛ به هیچ روی توحیدی و یا حتی اساطیری هم نیست. (به بیان ساده تر؛ از دیدگاه مستشرقان؛ جوامع اسلامی و از جمله ایرانیان، خود را عمدتاً با ویژگی های قومی و ملی شان، می شناسند و به دیگران معرفی می کنند و نه با ویژگی های دینی شان).

مُستشرقان یا شرق شناسان (Orientalist): به جمعی از محققان غربی گفته می شود که به مطالعه جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها می پردازند. نکته کلیدی در خصوص این محققان این است که؛ آنها از دیدگاه جهان غرب و با اهداف سلطه گرانه غربی این مطالعات را انجام می دهند و در واقع بجای بازخوانی و مطالعه بی طرفانه فرهنگ جوامع شرقی به بازسازی و خلق هویت شرقی از منظر جهان غرب می پردازند. (مستشرقان، جوامع شرقی را جوامعی عقب مانده معرفی می کردند که می بایست برای پیشرفت، دنباله رو غرب باشند).

توضیح ب: نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و تلاش برای بازگشت به هویت ایرانی - اسلامی

متفکران ایرانی از دهه ۱۳۳۰ به بعد در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت های کاذبی که از این طریق ساخته شده بود، آثاری با عناوین غربزدگی (توسط جلال آل احمد) و بازگشت به خویشتن (توسط علی شریعتی) پدید آوردند. برخی دیگر از اندیشمندان مسلمان کتاب هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران (شهید مرتضی مطهری) و همچنین فطرت و خویشتن الهی (علامه طباطبائی) تدوین کردند.

تأثیر انقلاب اسلامی در هویت ایرانی: (بازگشت ایران به هویت اسلامی خود/ بازگشت ایران به خویشتن الهی و توحیدی خود).

یکی از مهمترین پیامدهای هر انقلاب؛ تحولات هویتی است.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده (یک قرن) مقاومتِ هویت اسلامی در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی جهان غرب بود.

مهمترین تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی؛ بازگشت ایران به اسلام و هویت اسلامی یا همان بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی خود بود.

بازگشت ایران به هویت اسلامی یا خویشتن الهی و توحیدی در جریان انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره) و با استفاده از آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)، صورت گرفت.

جامعه ایران با این بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود؛ به مدت ۸ سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه دارد.

نکته: جامعه ایمانی، به این نکته اشاره دارد که در ایران پس از انقلاب اسلامی هویت دینی و ایمانی بعنوان برجسته ترین بُعد هویتی مورد توجه قرار گرفت. تا جائیکه ابعاد تاریخی، جغرافیایی، قومیتی، نژادی، زبانی و... در ایران؛ همگی تحت الشعاع و تحت تأثیر هویت دینی قرار گرفتند.

انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری های منطقه ای و جهانی آن

- ✓ تبدیل شدن جامعه ایران به قلب تپنده بیداری اسلامی در جهان اسلام.
(جامعه ایران بواسطه بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، بصورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد).
- ✓ معرفی دین اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی جدید در سراسر جهان (قطب و کانون فرهنگی که می تواند پاسخگوی پرسش ها و نیازهای معرفتی و معنوی مردم سراسر جهان باشد).
(جهان اسلام با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که جهان غرب القاء می کرد، جست و جو می کند و به این ترتیب اسلام بعنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می گردد).
- ✓ گشودن افق های جدید به روی اندیشمندان جهان غرب و فراخواندن آنها به تأمل و بازبینی در نظریات پیشین خود. (نظریه پردازانی که طی قرن ۲۰ میلادی، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی تمامی جوامع و بشریت می دانستند).

نکته: جهان غرب به اشکال گوناگون سعی می کند در مقابل گسترش ارزش های اسلامی در جوامع غربی، مانع تراشی کند. تصویب قوانین مربوط به منع حجاب زنان؛ در این راستا قابل ارزیابی است.

نحوه شکل گیری هویت فرهنگی جوامع :

هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار باورها و ارزش های اجتماعی کلان آن جامعه، شکل می گیرد. یعنی: هسته مرکزی هویت فرهنگی هر جامعه؛ باورها و ارزش های آن جامعه هستند و هر گاه افراد جامعه نوعی از باورها و ارزش ها را بپذیرند و به رسمیت بشناسند؛ هویت فرهنگی پدید می آید.

نحوه تداوم هویت فرهنگی جوامع :

تا زمانی که هسته مرکزی هویت فرهنگی هر جامعه یعنی باورها و ارزش های اجتماعی؛ مورد پذیرش افراد جامعه باشند، هویت فرهنگی جامعه دوام می یابد.

ابعاد مختلف هویت فرهنگی جوامع:

بعد جغرافیایی هویت جامعه: سرزمین یا وطن؛ بعد جغرافیایی هویت جامعه را می سازد. برقراری روابط پایدار میان افراد جامعه، نیازمند سرزمین و مکان است. سرزمین یا وطن (مکان مشترک)، زمینه ارتباط و تعامل افرادی را که عقاید و ارزش های مشترک دارند؛ فراهم می سازد و ادامه حیاتشان را ممکن می سازد. به همین دلیل برای مردمی که باورها و ارزش های مشترکی دارند و با هم زندگی می کنند، سرزمین یا وطن، ارزش متفاوتی پیدا می کند و احساس خاصی در آنها بوجود می آورد به گونه ای که تا پای جان از آن دفاع می کنند.

بعد تاریخی هویت جامعه: افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می کنند که بصورت خاطره جمعی و مشترک درمیآید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می شود و بعد تاریخی هویت جامعه را می سازد.

ناسیونالیسم: (ملی گرایی): (Nationalism) به مجموعه ای از باورها و نمادها گفته می شود که دلبستگی و تعلق به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان ها و تعیین کننده هویت ملت ها می داند. به بیان ساده تر ناسیونالیسم یعنی عشق به ملت (ملت دربردارنده: سرزمین، زبان، نژاد، قوم و ... است). بعنوان مثال: یک فرد ناسیونالیست ایرانی؛ کسی است که شیفته سرزمین ایران، فرهنگ و زبان ایرانی و شیفته نژاد و اقوام ایرانی است.

بخش هایی از بیانیه گام دوم انقلاب (رهبر معظم انقلاب اسلامی) **گروه آموزشی عصر**

شعارهای جهانی و فطری انقلاب اسلامی ایران، مانند: آزادی / اخلاق / معنویت / عدالت / استقلال / عزت / عقلانیت / برادری و ... صرفاً به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست که در دوره ای بدرخشد و در دوره دیگری افول کند... هرگاه دلزدگی از این شعارها و چشم اندازهای مبارک پیش آمده است به رویگردانی مسئولان از این چشم اندازها و ارزش های دینی مربوط بوده و نه از پای بندی به آنها و تلاش برای تحقق آنها.....

یکی از آرمان های شهید چمران رسیدن ایران اسلامی به قله های علم و توسعه بوده است تا از این راه؛ جهان غرب مغرور و متکبر را به زانو دریاورد. جهان متکبر و مغرور غرب که به بهانه پیشرفت علمی فخر فروشی کرده و به جوامع اسلامی طعنه می زند.